

(۱)

تذکرات سال های ۷۸-۷۶؟

«در همان سال و ماه ها (۷۸-۷۶) دلسوزان انقلاب و مردم به رئیس جمهور محترم یادآور شدند که برخی افراد و جریان هایی که خود را طرفدار و حامی شما قلمداد می کنند، نه تنها با دیدگاه و مرام رئیس جمهور قرابتی ندارند، بلکه در پاره ای موارد در نقطه مقابل شما خواهند بود و اینک تمامی آن پیش بینی ها به واقعیت پیوسته می گویند اصلاحات! اینها این واژه و امثال آن را آنقدر تکرار کرده اند که امروز وقتی مردم این تعبیر قشنگ را می شنوند، به جای این که اسباب انبساط خاطر و خوشی آنان فراهم گردد، دچار چندش می شوند. اگر امروز از تغییر قانون اساسی، رفراندوم و جدایی دین از عرصه سیاست و حکومت سخن می گویند، دقیقاً به خاطر این است که می دانند مردم از واژگان تکراری و ملال آور آنها به ستوه آمده و دیگر تاب شنیدن شعارهای ظاهر فریب و بی سروته سابق شان را ندارند مدعیان اصلاح طلبی و حامیان دروغین ریاست محترم جمهوری به رغم این که دائم از اصلاحات سخن می گویند ولی هنوز یک مرد در میان آنها پیدا نشده که اصلاحات را تعریف کند.»

(یادداشت روز، کیهان، ۸۱/۲/۳۰)

۱. در سال های ۷۸-۷۶ دلسوزان انقلاب و مردم، که حتماً مسؤولان محترم کیهان جزو آنان هستند، به رئیس جمهور تذکراتی دادند که اکنون به تمامی به واقعیت پیوسته است.

۲. روزنامه کیهان به عنوان یک روزنامه حکومتی از روی دلسوزی برای آقای خاتمی، در ایام تبلیغات انتخاباتی سال ۷۶ مطالب زیادی را علیه ایشان درج و به صورت گسترده از رقیب وی حمایت کرد!

۳. نویسنده محترم علت آن را که چرا دلسوزان فقط در سال های ۷۸-۷۶ نکاتی را به آقای خاتمی یادآور می شدند، اما پس از آن دیگر تذکری نداده اند، توضیح نداده است. البته می دانیم که در سال ۷۸ دو اتفاق افتاد که شاید یادآوری آن لازم باشد. اول فاجعه کوی دانشگاه (شاید هم مرهم شفا بخش کوی!) و دوم انتخابات مجلس ششم. آیا امروز قرار است اتفاقی رخ دهد که یادآوری تذکرات سال های ۷۶ تا ۷۸ لازم دیده شده است؟

۴. تمام پیش بینی های دلسوزان درست از آب درآمد. اما این که چرا آنان نمی توانند وضعیت خود را پیش بینی کنند، معلوم نیست!

۵. به نظر نویسنده محترم، هر واژه ای، هر قدر قشنگ، اگر زیاد تکرار شود، چندش آور می شود ولی نباید از وی سؤال کرد که «اصلاحات» بیشتر تکرار شده است یا؟ با این استدلال کدام یک چندش آورتر است؟

۶. اصرار نویسنده محترم را در کنار هم قرار دادن «رفراندوم» که امری قانونی است و نشانه حاکمیت ملت، با «تغییر قانون اساسی» و «جدایی دین از سیاست» ملاحظه می فرمایید. اولی یعنی «همه پرسی» را اصلاح طلبان علناً دنبال می کنند و راه برون رفت از هر گونه بن بست می دانند، اما با دومی در حال حاضر و با سومی اساساً موافق نیستند. جوسازی کیهان نیز بعید است آنان را از تداوم راه باز دارد.

۷. چرا مردم اقبال زیادی به شعار رفراندوم «مدعیان اصلاح طلبی» نشان می دهند، با وجود آن که تاب شنیدن شعارهای ظاهر فریب و بی سروته سابق شان را ندارند؟ چرا اکثریت قاطع مردم از شعارها و پیشنهادهای کیهان استقبال نمی کنند؟

۸. از نظر کیهان از این به بعد نام دوم خردادی ها، «مدعیان اصلاح طلبی» و «حامیان دروغین ریاست جمهوری» است. چون «اصلاح طلبان واقعی» و «حامیان راستین خاتمی» بنابر این فرض مسؤولان محترم کیهان هستند!

۹. در میان مدعیان اصلاح طلبی، یک «مرد» پیدا نمی شود. در عوض در بین اصلاح طلبان راستین یک «نامرد» پیدا نمی شود؟! (۲)

پیروزی در رفراندوم

«بنابر ادعای روزنامه سیاست روز یکی از نمایندگان عضو فراکسیون دوم خرداد: آقای تاج زاده چطور بدون خجالت این هشدار را برای ملت مطرح می کند. مگر وی به عنوان معاون سیاسی وزیر کشور خودش مأمور اجرای پروژه توسعه سیاسی نبود؟ در واقع آقای تاج زاده ضمن این هشدار، مدیریت ضعیف خودش را به جامعه اعلام کرد. «توسعه سیاسی» مورد نظر آقای تاج زاده مردم را به حضور پرنشاط در عرصه سیاسی انتخابات نیاورد.» این نماینده با ارائه اطلاعاتی اجمالی از نشست های تندروها در مجلس می گوید: «آقای تاج زاده و دوستان تندرویش در مجلس سعی دارند با ارائه طرح هایی که می دانند برخلاف قانون اساسی و شرع مقدس است، مدام از شورای نگهبان پاسخ منفی بگیرند. بعد با این رویکرد که شورای نگهبان مانع ماست و نمی گذارد ما کار کنیم، مردم را به برگزاری یک رفراندوم تشویق کنند و بعد آنچه خود می خواهند را از صندوق آرای این رفراندوم خارج کنند درست است که آقای تاج زاده از مقام خود اخراج شده است، اما دوستان و شاگردان او هنوز در وزارت کشور هستند و مسؤول برگزاری انتخابات هستند» انهایی که با رفراندوم صوری می خواهند خودشان را از بن بست نجات دهند، با این ۲۶ میلیون شناسنامه بی صاحب در هر انتخاباتی می توانند رأی بیاورند ولو انتخاباتی که حتی یک آدم زنده در آن شرکت نکند!» (سیاست روز)

۱. معمول روزنامه های کیهان، رسالت و سیاست روز است که هر از چندی اعلام می کنند که «یکی از نمایندگان یا چهره های دوم خردادی» که البته هیچ گاه نام وی مشخص نمی شود، علیه سایر اصلاح طلبان به افشاگری پرداخته است، آن هم در مصاحبه اختصاصی با یکی از این دو سه روزنامه! اگر چه این شیوه دیگر کارایی خود را از دست داده و مردم می دانند که برخی از این روزنامه ها، حرف های خود را به عنوان «یکی از» می خواهند به خورد ملت بدهند، ولی متأسفانه ظاهراً محافظه کاران هیچگاه نمی خواهند از عواقب کارهای گذشته خود عبرت بگیرند.

۲. خوانندگان محترم حتماً خود می دانند که چرا محافظه کاران اینقدر از «رفراندوم» وحشت دارند!

۳. آیا مشکل واقعی آقایان برای برگزاری همه پرسی، وجود ۲۶ میلیون شناسنامه بی صاحب است یا تصور می کنند اگر رفراندوم برگزار شود، دست کم ۲۶ میلیون شهروند علیه محافظه کاران رأی می دهند؟ بنابراین لازم است از هم اکنون این میزان از آرا را از پاسخ مثبت شهروندان به طرح رفراندوم اصلاح طلبان کم کنند؟! (۳)

۴. نویسنده محترم توضیح نداده است که چرا شورای نگهبان به گونه ای عمل نمی کند که تندروان مجلس افشا شوند، یا دست کم بهانه از آنان گرفته شود؟! (۳)

تخریب کنندگان؟

«جریان هایی که بعد از دوم خرداد، تحت عناوین اصلاح طلب و آزادیخواه به وجود آمد، ما را در برابر تمدن و اندیشه غربی منفعل کرده است در این مدت، جامعه بیشتر به سمت انحطاط رفته است. دین گریزی و دین ستیزی و کاهش امنیت نشاندهنده این است که اصلاح طلبان در مبانی و ریشه هایی که باید اصلاحات را صورت می داده اند موفق نبوده اند، بلکه آن را تخریب کرده اند.»

(محسن غروی، صدای عدالت، ۸۱/۲/۳۱)

۱. ما (؟) قبل از دوم خرداد در برابر تمدن و اندیشه غربی فعال بودیم، نه منفعل و جامعه نیز به سمت سعادت حرکت می کرد. مردم و به ویژه جوانان فوج فوج به طرف دین جذب می شدند و دین گریزان و دین ستیزان در حال انزوا و مطرود شدن بودند. امنیت نیز در اوج بود و به همین دلیل اتوبوس حامل نویسندگان به ته دره نیفتاد. همین آثار مثبت نشان می دهد که مبانی و ریشه های محافظه کاری در آن دوره کاملاً موفق بوده است؟! (۳)

۲. سخنران محترم فقط این نکته را توضیح نداده است که به فرض پذیرش همه ادعاهای وی، چرا مردم از آن بهشت فرحبخش دلزده شدند و به نامزد مطلوب ایشان رأی ندادند؟ و به عکس به چهره ای اقبال وسیع نشان دادند که از ابتدای ورود به عرصه تبلیغات انتخاباتی، از کرامت انسان و حقوق شهروندی، دموکراسی و جامعه مدنی و از احترام به مخالف و سخن گفت؟

۳. تحلیلگر محترم توضیح نداده است که چرا با وجود تجربه مردم، آقای خاتمی بار دوم آرای بیشتری را کسب کرد؟